

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۲ سپتمبر ۲۰۱۵

طمع شادایانه های هستی

از بام شب تا فرش صبحگاه، شمع دیدگام قطره قطره روی کف دستانم ریخت.
چه طوفانی در سرگردانی روح عبور و همناکش را آواز میداد.
آه! این ضربه ها، گویی شیشه ها را میشکست و هر پاره را چون خنجری به قلبم فرو
میبرد. از آن سوی دلهره انگیز پنجره ها به رود تاریک شب، که ابتدایش آغازین
انزوای من بود، نظاره میکردم و از اندیشه شکستن کاج بلند ایمان سرم را روی زانوی
تضرع میگذاشتم و باز مینگریستم، که با عشقه پیچان در ستونهای بلند زمان میپیچم و
تا ملکوت راه میجویم. اینک که از هنگامه شب رهیدم و شمع ستارگان یکایک خاموش
شدند و سپیده درخشان جلوه گر است، به سرگذشتم می اندیشم؛
به خاکستر خنده هایم که روی دوش گردبادها در مسیر قبرستان سکوت روانه گشت؛
به آئینه صاف قلبم که در ازدحام گامهای برگشته از تبار الوانها، جاذبه درخشش را
میبازد.
چه گونه فریاد زخم، که شانه های خمیده ام گویای تلخ شکست در آزمون الفت و
ازخودگذری ست.
قفس عمرم با داغ این همه درد، زنگاری گشته ولی من از خُنیانگران روزگار هنوز
طمع شادایانه های مکرر هستی آفرین دارم!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - ۱۹ سپتمبر ۲۰۱۵)